

ترجمه و تأثیر آن در تحولات ادبی معاصر در دو زبان عربی و فارسی

حبیب‌الله عباسی

استاد دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

فن ترجمه از همان سده‌های آغازین تاریخ اسلام میان دو زبان عربی و فارسی متداول بوده و باعث به‌وجود آمدن وجوه مشترک بسیاری در حوزه‌های مختلف ادبیات این دو قوم تاریخی شده است. اما جریان ترجمه از زبان‌های اروپایی که در جهان عرب پیش از عصر نهضت آغاز شد و در ایران اندکی قبل از مشروطه، تأثیری بس شگرف و شگفت در شؤون مختلف این جوامع بر جای نهاد. در این مقال فقط به آن دسته از تأثیرها و رهاوردهای ترجمه اشاره شده است که به نحوی در رشد و پیشرفت ادبیات و حوزه‌های مختلف آن مؤثر بوده‌اند. از جمله: تجدد، شیوه‌های جدید تعلیم و تربیت، علوم جدید، شعر، نثر، داستان و مکتب‌های ادبی جدید و هم‌چنین در پایان به برخی کارکردهای دیگر آن مانند تحول در زبان و فرم‌های ادبی و به تبع آن معیارهای جمال‌شناسی ادبی و ذوق مخاطبان آن پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، زبان فارسی، زبان عربی، زبان‌های اروپایی، ادبیات معاصر.

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۸۵/۷/۱۷

مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، سال سوم، شماره ۱۰ - ۱۳ (۱۳۸۵)، صص ۷-۱۷

درآمد

مشترکات فرهنگی و ادبی دو زبان عربی و فارسی، موضوعی است که از گذشته‌های دور دغدغه اندیشه‌وران و محققان بسیاری در هر دو زبان بوده است و خواهد بود؛ زیرا به دلایلی که لاتعد و لاتحصی، پیوندی استوار و ناگسستنی میان این دو قلمرو فرهنگی، به‌ویژه در حوزه ادبیات وجود دارد که تا پایان هستی خواهد ماند. بی‌شک فن ترجمه که قدمت آن به قدمت زبان‌های بشری است، از همان سده‌های آغازین تاریخ اسلام میان این دو زبان متداول شده و نقش اساسی و غیر قابل انکاری در تکوین و تداوم این پیوند استوار داشته است. ترجمه باعث به‌وجود آمدن وجوه مشترک بسیاری در حوزه‌های مختلف ادبیات این دو قوم تاریخی شده است (ر.ک. بالایی، ۱۳۷۹: ۲۷-۳۰). بررسی مشروح و تفصیلی تاریخچه، اهمیت و نقش ترجمه در دو زبان عربی و فارسی سزاوار کتاب جداگانه‌ای است که نگارنده در حال نگارش آن است. با این حال در این جا می‌توان به برخی از وجوه اشتراک موجود میان این دو زبان که از رهگذر ترجمه با وام‌گیری و اقتباس‌های ادبی حاصل شده، فهرست‌وار اشاره کرد.

اگرچه تأثیر ترجمه بر ادبیات سنتی فارسی - به دلیل وام‌گیری و اقتباس‌های بی‌حد و حصر ادیبان ایرانی از زبان عربی - از ادبیات سنتی عربی به مراتب چشمگیرتر بوده است؛ اما تأثیر ترجمه از زبان‌های اروپایی بر هر دو زبان تا حدودی یک اندازه بوده و شاید در زبان عربی بیشتر و موفق‌تر از زبان فارسی. از همین رو می‌توان مدعی شد که تحولات ادبی جهان عرب و ایران متأثر از فرایند ترجمه از زبان‌های اروپایی است یا به بیان دیگر تابعی است از متغیر ترجمه در این دو زبان.

البته در این جا - اگر از ترجمه‌های برخی آثار یونانی چشم‌پوشی کنیم - باید یادآور شد که ترجمه در این دو زبان چندان رونق و رواجی نداشته به‌ویژه در زبان فارسی. از آن رو که زبان عربی هم زبان دینی و هم زبان علمی مشترک هر دو قوم عرب و ایرانی به‌شمار می‌رفته

است. اغلب دانشمندان و طالبان علم با این زبان مأنوس بودند و آثار مهم خود را به آن زبان می‌نوشتند مانند فارابی، ابن سینا، ابوریحان و زکریای رازی. گاهی بعضی از آنان برای مخاطبان فارسی زبان خویش تألیف مجددی از اثر اولیه خود انجام می‌دادند. چنان‌که امام محمد غزالی بعد از تألیف اثر شگرف خویش *احیاء علوم‌الدین* به زبان عربی، گزارش اجمالی از آن را تحت عنوان *کیمیای سعادت* به فارسی تحریر می‌کند.

چنان‌که می‌دانیم بعد از برخورد جهان عرب به‌ویژه مصر و ایران با غرب و دگرگون شدن نقشه امپراطوری عثمانی در پایان سده هیجدهم میلادی و تولد کشورهای جدید و نیز تغییر در نقشه جغرافیایی ایران، اندکی بعدتر بذره‌های تمدن در این سرزمین‌ها کاشته شد و تحت تأثیر عواملی همانند: اعزام دانشجویان به فرنگ، تأسیس مدارس جدید، استخدام دانشمندان غربی، تأسیس چاپخانه، انتشار مجلاتی مانند *وقایع‌المصریه* و *وقایع‌الانفقاویه*، و ورود دانش‌ها و هنرهای جدید (الزیات، ۲۰۰۲: ۳۱۱-۳۱۸)، جریان ترجمه در جهان عرب و ایران آغاز شد و کم‌کم گسترش یافت. ترجمه‌های اولیه از زبان‌های اروپایی به زبان عربی و فارسی، به دلیل تأسیس مدارس جدید، بیشتر شامل کتاب‌های درسی از قبیل تاریخ، جغرافیا و علوم مختلف برای بهره‌گیری در این مدارس بود. این آثار گرچه ارزش ادبی نداشتند، اما مقدمات ترجمه داستان و نمایشنامه و دیگر آثار ادبی را که سال‌ها بعد آغاز شد فراهم آوردند (آرین پور، ۱۳۷۲: ۲۵۹؛ نیز ر. ک. الزیات، ۲۰۰۲: ۳۱۱-۳۱۲).

این فرایند ترجمه که در جهان عرب پیش از عصر نهضت آغاز شده بود و در ایران اندکی قبل از مشروطه، تأثیری بس شگرف و شگفت در شئون مختلف این جوامع بر جای نهاد و باعث تحول و دگرذیسی در بنیادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها شد که احصای تمام آن‌ها از حوصله این مقال بیرون است. در این جا فقط به آن دسته از تأثیرها

و رهاوردهای مبارک ترجمه اشاره می‌شود که به نحوی در رشد و پیشرفت ادبیات و حوزه‌های مختلف آن مؤثر بوده‌اند.

ترجمه و تجدد

ترجمه یکی از مؤلفه‌های فرایند تجدد و نوگرایی جهان عرب و سرزمین ایران بود؛ به عبارتی دیگر، حلقه پیوند میان دنیای سنت و جهان مدرن و دروازه ورود بدان است؛ چنان که اروپا از رهگذر آن به معرفت دست یافت و از عصری به عصری دیگر منتقل شد (منیف، ۲۰۰۱: ۵۳). ترجمه تحول‌شگرفی در بنیادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و به تبع آن در فرهنگ و ادب دو قوم پدید آورد. بی‌شک این همه تحت تأثیر ترجمه آثار علمی و فلسفی و آشنایی دانشمندان از رهگذر آن با فضای جدید غرب بعد از عصر روشنفکری و عقلانیت آن اقلیم بود. از همین رو روشنفکران عرب و ایرانی در سده نوزدهم به مقوله ترجمه اشتیاق زایدالوصفی داشتند؛ ترجمه تأثیر شگرفی در دگرگون کردن ساختارهای منجمد فکری و سیاسی داشت (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۲۵۷-۲۵۹). در چنین فضایی «هر چیزی که سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود» (برمن، ۱۳۷۹: ۱۱).

ترجمه و علوم جدید

محمدعلی، خدیو مصر و عباس میرزا، شاهزاده قاجار به فراست دریافته بودند که راز تمدن باشکوه و آبادانی جهان غرب در علوم جدید نهفته است. از این رو به تأسیس مدارس جدید همت گماشتند و به دنبال آن تألیف و ترجمه کتاب‌های درسی در رشته‌های مختلف فنون جنگی و علوم طبیعی باب شد. پس از مدتی میل و رغبت زیادی به نشر فرهنگ و تعلیم دانش به بیرون از این مدارس گسترش یافت و افراد دیگری نیز که رابطه مستقیمی با این مدارس نداشتند با شور و شوق زایدالوصفی به تألیف و ترجمه کتاب‌های علمی همت گماشتند (الزیات، ۲۰۰۲: ۳۰۸ و آراین پور، ۱۳۷۲: ۱/۲۵۹).

ترجمه و شیوه‌های جدید تعلیم و تربیت

بعد از احساس ضعف و ناتوانی در شئون مختلف زندگی، ضرورت اخذ تمدن غربی و تغییر اصول تعلیماتی قدیم پدید آمد و موجب شد که مدارس جدیدی به سبک مدارس غرب در مصر و ایران بنا شود و دانش و فرهنگ مغرب زمین را به نسل جوان آموزش دهند. بی‌شک ترجمه و اقتباس از زبان‌های اروپایی، به صورت شفاهی یا کتبی در این میان بسیار مؤثر بود.

این مدارس با وجود همه کارشکنی‌ها، بیش از آنچه انتظار می‌رفت در پیشرفت کار تعلیم و تربیت و اخذ علوم و فنون جدید اروپایی مؤثر افتاد و شمار زیادی از مردم را با شیوه زندگی اروپاییان آشنا کرد. جوانان فرصت یافتند تا در راه اصلاحات سرزمین خویش قدم بردارند و بعد از مدتی یک طیف روشن فکر از پزشکان و عالمان ریاضی و طبیعی پیدا شدند که با ترجمه و تألیف کتاب‌های علمی جدید، باعث تربیت شاگردان و ایجاد نهضت فرهنگی شدند. به برکت تعلیم و تربیت جدید و تجددخواهی همین تحصیل کردگان، با خرافات و موهومات مبارزه شد و افکار آزادی‌خواهانه منتشر گشت (الزیات، ۲۰۰۲: ۳۱۱ و آراین پور، ۱۳۷۲: ۲۵۷/۱).

ترجمه و شعر

از آن‌جا که شعر بیش از هنرهای دیگر، قومی و ملی است، دیرتر از انواع ادبی دیگر، از ترجمه تأثیر پذیرفت؛ زیرا اغلب شاعران عصر نهضت و مشروطه تحت تأثیر سنت‌های ادبی کهن خود بودند و به راحتی نمی‌توانستند از زیر بار آن شانه خالی کنند. شاعران عرب و ایرانی از پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با زبان‌های اروپایی آشنا شدند و به ترجمه نمونه‌های برتر آن پرداختند. قدیم‌ترین ترجمه شعری، ترجمه منظوم فابل‌های لافونتن فرانسوی بود که از رهگذر ترجمه از زبان عربی، به زبان فارسی نیز راه پیدا کرد. اگرچه این

ترجمه‌های اولیه تحولی در موضوع و محتوای شعر ایجاد کرد، اما تحول در ساختار آن و خلق قالب و جریان تازه‌ای از شعر به نام شعر نو در فارسی و عربی به دنبال آشنایی با الیوت و لورکا و سن ژون پرس و ترجمه‌های آثاری از آنان بود و همین امر باعث تغییر صد و هشتاد درجه‌ای در ماهیت شعر شد و شاعران تحت تأثیر فرهنگ و تمدن جدید به آزادی و نوگرایی گرایش پیدا کردند. به همین دلیل می‌توان مدعی شد که تحولات شعر عرب و شعر فارسی، تابعی است از متغیر آشنایی اعراب و ایرانیان با اندیشه‌های غربی و ترجمه نمونه‌های شعری زبان‌های فرنگی^۱ (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۹).

ترجمه و نشر

نثر عربی و فارسی بعد از حمله مغول روی به انحطاط نهاد، ولی از اوایل قرن نوزدهم در نتیجه نفوذ عواملی که بیشتر متذکر شدیم و به‌ویژه فرایند ترجمه، تجدید حیات ادبی و تحول نثرنویسی شروع شد. این تجدید حیات نثر که با اصلاحات رجال دولتی، سیاسی و ادبی، مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگرد وی محمد عبده، ابراهیم المویلحی، شیخ علی یوسف، شدیاق، منفوطی و بستانی و رجال سیاسی و ادبی ایرانی، مانند قائم‌مقام و امیرکبیر و میرزا ملکم و طالبوف و میرزا حبیب اصفهانی و مراغه‌ای و دهخدا انجام پذیرفت، تحت تأثیر ترجمه آثار ادبی جهان غرب به زبان‌های عربی و فارسی از سده نوزدهم میلادی به بعد بود. این همه موجب شد تا قواعد و سنت‌های منسوخ قدیمی و لفاظی‌ها و طنطنه‌های زبانی به کناری نهاده شود و زبان با ویژگی‌ها و مقتضیات متن‌های اصلی در زبان مبدأ هماهنگ و سازگار شود و به دنبال آن نثر عربی و فارسی در قرن بیستم شکل متداول امروزی خود را پیدا کند (الزیات، ۲۰۰۲: ۳۲۲-۳۲۴ و کامشاد، ۱۳۸۴: ۳۲۵).

بی‌شک پیروی مترجمان از شیوه نگارش متن‌های اصلی، در طبیعی و ساده‌شدن زبان نثر و پالودگی آن از عبارات مسجع و مصنوع و نزدیکی به زبان محاوره و عامیانه در این مهم مؤثر بوده است، زیرا نثر عربی و فارسی پیش از عصر نهضت و مشروطه دو اسلوب رایج

داشت: اسلوب مقامه‌ای یا به تعبیری، اسلوب تاریخ و صافی که بسیار متصنعانه و متکلفانه بوده است و دیگر اسلوب ابن خلدون یا اسلوب بیهقی که تا اندازه‌ای طبیعی و استوار بوده و به دور از تکلف و تصنع‌های بارده. اغلب تحصیل‌کردگان بومی مدارس جدید و آشنا با فرهنگ غرب به شیوهٔ دوم گرایش داشتند. نویسندگانی مانند قاسم امین، لطفی السید و غیره در زبان عربی و نویسندگانی مانند رضاقلی خان هدایت و اعتمادالسلطنه در زبان فارسی.

در همین زمان مهاجران و فعالان سیاسی خارج از جهان عرب و ایران نیز اسلوب سومی، حد وسط دو اسلوب قبلی، اختیار کردند که در نهایت چندان تداوم نیافت، اما به دنبال تحول در ادبیات و علوم و فنون جدید و تنوع موضوعات، اسلوب‌های نثر نیز متنوع شد؛ چنان‌که هر طبقه‌ای اعم از ادیبان و فقیهان و وکلا و روزنامه‌نگاران، اسلوبی خاص برای خود اختیار کردند.^۲

ترجمه و داستان

بعد از تحول شگرفی که در اثر وام‌گیری و اقتباس‌های ادبی گوناگون در ادب و فرهنگ جهان عرب و ایران پدید آمد و به دنبال آن تحول در زبان و ساختار نثر عربی و فارسی و به سادگی گراییدن آن و به‌وجود آمدن گفتمان‌های جدید و متنوع در هر زبان، در کنار دیگر اسلوب‌های نثر، اسلوب نثر داستانی نیز شکل گرفت.

اگرچه قدمت قالب حکایت و قصه در هر دو فرهنگ بسیار دیرینه است، اما عرب‌ها و ایرانیان داستان جدید را با همه قواعد و اسلوب‌ها و موضوعات آن از غرب اخذ کردند. داستان‌نویسان اولیهٔ عربی عمدتاً لبنانی بودند و با اروپاییان مخالفت داشتند، مانند سلیم البستانی و جرجی زیدان.

قدیمی‌ترین آثار داستانی موجود در هر دو زبان آثار ترجمه‌ای‌اند. یک دسته از آن‌ها به دلیل حذف و اضافه و جرح و تعدیل‌های بسیار در آن‌ها توسط مترجمان بیشتر به اقتباس

شبيه‌اند؛ مانند البؤساء از حافظ ابراهيم و غصن‌البان از نجيب حداد و سياحت‌نامه ابراهيم بيگ از زين‌العابدین مراغه‌ای و كتاب احمد طالبوف. برخی نیز ترجمه و گزارش دقیقی از روی متن اصلی بودند، مانند مرعريت احمد زکی و ابن‌الطبيعه ابراهيم المازنی و حاجی بابای اصفهانی میرزا حبيب اصفهانی.

در ادامه تحت تأثیر همین ترجمه رمان‌ها، رمان تاریخی عربی و فارسی شکل گرفت و آثار ماندگاری مانند زینب محمدحسین هیکل و اهل‌الکھف توفیق حکیم و شمس و طغری محمدباقر خسروی و عشق و سلطنت یا فتوحات کورش کبیر موسی نثری در این دو زبان خلق شد^۳ (الزیات، ۲۰۰۲: ۳۲۰-۳۲۱ و آرين پور، ۱۳۷۲: ۱/۲۵۹-۲۶۱).

ترجمه و مکتب‌های ادبی جدید

اندکی بعد از برخورد جهان عرب و ایران با غرب از اواخر قرن نوزدهم در کشورهای عربی و اوایل قرن بیستم در ایران، از رهگذر ترجمه نمونه‌هایی از شعر غربی وارد این دو زبان شد که حال و هوای تازه‌ای مانند گرایش به طبیعت و معصومیت فراموش شده داشت. به دلیل هماهنگی بسیار این حال و هوا با روحیه‌های ستم‌کشیده شرقی، خیلی زود آثار تقلیدی از رمانتیک‌های غرب در هر دو زبان با قدری تقدم در زبان عربی آشکار شد. از حق نباید گذشت که رمانتیسیم در شعر عرب یکی دو نسل از برجسته‌ترین استعدادهاى این زبان مانند ابوشادی، ابراهيم ناجی و ابوالقاسم شابی و برخی از شاعران مهاجر را به خود شیفته کرد و عمر آن در تاریخ ادبیات معاصر عرب به حدود سی چهل سال می‌رسد (ر.ک شفيعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۰-۳۱). اما در زبان فارسی عمر رمانتیسیم کوتاه‌تر از این بود و چهره برجسته‌ای که منحصرأً به خاطر تجربه‌های رمانتیکش در تاریخ شعر فارسی ثبت شده باشد نداریم. در ادامه تحت تأثیر ترجمه، مکتب‌های دیگر ادبی مانند رئالیسم، سوررئالیسم و سمبولیسم نیز پدیدار شد.

کارکردهای دیگر ترجمه

علاوه بر این کارکردهای عمده و مشترک، ترجمه در دو زبان فارسی و عربی رهاوردهای مشترک دیگری نیز داشته است؛ از جمله این که ترجمه، آفاق و فضاهاى تازه‌ای بر روی ادب معاصر گشود و زبان و فرم‌های ادبی را با تغییر نگاه شاعران و نویسندگان به جهان دگرگون ساخت و به تبع آن معیارهای جمال‌شناسی ادبی و ذوق مخاطبان آن را نیز متحول کرد.

هم‌چنین ترجمه در شکل‌گیری قالب نمایش‌نامه تحت تأثیر ترجمه آثار نمایش‌نامه‌نویسان برتر فرانسوی، مانند مولیر مؤثر بود و در به‌وجود آمدن نقد ادبی جدید و فرهنگ‌نویسی، تدوین دایرة‌المعارف‌ها و شکوفایی نثر علمی و دانشگاهی نیز تأثیر شگرفی نهاد. چنان‌که گفته‌اند جمال عبدالناصر پروژه روشن‌فکری را با ترجمه هزار کتاب آغاز کرد و نتایج حاصل از این پروژه در قیاس با پروژه‌های دیگر بیشتر و ملموس‌تر بود، چه هزینه‌های صرف شده در این زمینه یک‌دهم هزینه‌های حوزه‌های دیگر بود (منیف، ۲۰۰۱: ۵۳).

سخن آخر

در پایان گفتنی است که بی‌شک ترجمه، چنان‌که اشاره شد حامل رهاوردهای بسیار ارزنده‌ای، اعم از خلق فضای فرهنگی باز و رشد و پیشرفت ادبیات و دگرگون ساختن نظام واژگانی و شیوه‌های بیانی و قراردادن الگوهای تازه در اختیار شاعران و نویسندگان و غنی‌سازی سنت‌های ادبی بومی و تسهیل فعالیت‌های بعدی در زمینه آفرینش متن‌های تازه و فراهم آوردن فرصت اقتباس و وام‌گیری‌های بسیار بوده، که عمدتاً بازتاب نوعی کمبود و ضعف فرهنگی نیز بوده و هست.

در این جا باید متذکر شد که تأثیر ترجمه به دلایل متعدد در تحول جهان عرب چشم‌گیرتر از ایران بوده است و آنان بیش از ایرانیان با این فن سروکار داشته‌اند و تا حدودی

موفق تر نیز عمل کرده‌اند؛ به دلیل ارتباط تنگاتنگ و بی‌واسطه با جهان غرب و حتی تجربه کردن آن جهان. از همین رو نه تنها اقتباس‌ها و وام‌گیری‌های آن‌ها از فرهنگ غرب هنری تر بود که در ژانرهای ادبی که از رهگذر ترجمه از غرب اخذ شده، موفق تر بوده‌اند، تا آن‌جا که در برخی حوزه‌ها به جایزه نوبل هم دست یافته‌اند. با این همه اگرچه فرایند ترجمه در جهان عرب چشم‌گیرتر بوده، اما حالت الینگی یا از خود بیگانگی در میان آنان کمتر تبلور یافته است.

پی‌نوشت

۱. و نیز ر. ک. المؤثرات الاجنبیه فی الادب العربی و تاریخ الادب العربی: ۳۶۲ و طلیعه تجدد در شعر معاصر فارسی: ۲۵۷-۳۳۱.
۲. در این باره ر. ک. تاریخ الادب العربی: ۳۱۹-۳۲۰ و از صبا تا نیما: ۱/ ۲۶۰-۲۶۲ و طلیعه تجدد در شعر معاصر فارسی: ۲۵۹-۲۶۰ و تاریخ ادبیات ایران: ۵۹۳-۶۰۷ و پایه‌گذاران نشر جدید فارسی: ۳۲-۶۹.
۳. و نیز ر. ک. الموجز الادب العربی و تاریخه، ادب النهضه و الحدیث: ۵۰-۴۴۰ و پایه‌گذاران نشر جدید فارسی: ۳۲-۸۴.
۴. در این زمینه ر. ک. از صبا تا نیما: ۱/ ۲۶۰ و سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی: ۲۷ و تاریخ ادبیات ایران: ۶۰۲-۶۰۳.

منابع

- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. تهران: زوار.
- بالایی، کریستف و میشل کویی پرس. (۱۳۷۹). *سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی*. ترجمه احمد کریمی حکاک. تهران: معین و انجمن ایرانشناسی فرانسه.
- برمن، شارل. (۱۳۷۹). *تجربه مدرنیته*. ترجمه مراد فرهادپور. تهران: طرح نو.

- ریپکا، یان و دیگران. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: سخن.
- الزیات، احمدحسن. (۲۰۰۲). *تاریخ الادب العربی*. بیروت: دارالمعرفة.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *شعر معاصر عرب*. تهران: سخن.
- عوض، لوئیس. (۱۹۶۶). *المؤثرات الاجنبیه فی الادب العربی*. بیروت: دار الفکر.
- الفاخوری، حنا. (۱۹۹۱). *الموجز الادب العربی و تاریخه، ادب النهضة الحدیثه*. بیروت: دار الجیل.
- کامشاد، حسن. (۱۳۸۴). *پایه‌گذاران نثر جدید فارسی*. تهران: نی.
- کریمی حکاک، احمد. (۱۳۸۴). *طلیحه تجدد در شعر معاصر فارسی*. ترجمه مسعود جعفری. تهران: مروارید.
- منیف، عبدالرحمن. (۲۰۰۱). *الکاتب والمنفی*. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.